

نقش واسطه‌گری جهت‌گیری مذهبی برای سبکهای فرزندپروری و معنای زندگی در دانش‌آموزان پایه‌ی سوم دوره‌ی دبیرستان شهر شیراز

مینا خلیلی‌فر*^۱، سلطانعلی کاظمی^۲، حجت‌اله جاویدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۲۱

چکیده

هدف از این تحقیق، تبیین نقش واسطه‌گری جهت‌گیری مذهبی در رابطه‌ی بین سبک فرزندپروری والدین و معنای زندگی دانش‌آموزان پایه‌ی سوم دبیرستان شهر شیراز بود. به‌منظور انجام این پژوهش، ۲۷۱ نفر از دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان شهر شیراز (۱۳۸ دختر و ۱۳۳ پسر) به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی سبک فرزندپروری والدین دیانا بامریند (۱۹۶۷م) و معنادار بودن زندگی (صالحی، ۱۳۷۴) و پرسشنامه‌ی جهت‌گیری مذهبی (البرزی، ۱۳۸۲) استفاده شد. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های خام از شیوه‌ی آماری تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج تحلیل نشان داد که در مجموع ۴۱٪ از واریانس معنای زندگی توسط جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده و سبک فرزندپروری والدین قابل پیش‌بینی است. بنابراین نتایج به‌دست آمده نشان داد که جهت‌گیری مذهبی نقش واسطه‌گری معنادار برای سبک فرزندپروری و معنای زندگی دانش‌آموزان پایه‌ی سوم دبیرستان بازی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: جهت‌گیری مذهبی، سبک فرزندپروری، معنای زندگی.

۱- مشاور مرکز اختلالات رفتاری و عاطفی.

۲- استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

۳- استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

* نویسنده‌ی مسئول مقاله، mina-khalilifar@yahoo.com

مقدمه

با توجه به ساخت فرهنگی ما و تغییر و تحولات سریع ارزش‌ها در برخی از اقشار جامعه از جمله نسل جوان و نوجوان، ضروری به نظر می‌رسد عواملی که به داشتن جامعه‌ای امیدوار، سالم و پویا کمک می‌کند، مورد بررسی قرار گیرد. در مقطعی از رشد که فرد وارد سنین نوجوانی شده و از تفکر انتزاعی برخوردار می‌شود، به دنبال کسب هویت خود می‌رود. همچنین می‌خواهد بداند که کیست؟ از کجا آمده است؟ به کجا می‌رود؟ برای چه زندگی می‌کند؟ چه باورهایی باید داشته باشد و چرا؟ و همین‌طور علاوه بر گذشته به حال و آینده نیز توجه می‌نماید و به دنبال شناخت معنای زندگی خود در حال و آینده است. این گروه در این مقطع از زندگی مقدار قابل توجهی فشار روانی را به خاطر نگرانی برای آینده‌ی شغلی و خانوادگی، متحمل می‌شوند. بنابراین جهت توانایی مقابله با این فشارها به داشتن معنا در زندگی نیاز دارند.

معنای زندگی، مفهومی که فرانکل^۱ آن را مطرح کرد، به افراد کمک می‌کند تا زندگی را هدفمند دیده و رنج‌ها و ناملايمات زندگی را به‌خاطر وجود معنا تحمل کنند. معنای زندگی، جستجوی معنایی در زندگی است که زیستن را توجیه کند. این معنا می‌تواند از طریق انجام کاری ارزشمند یا با تجربه کردن ارزش‌های والا و یا تحمل رنج و درد در زندگی فرد به‌دست آید (فرانکل، ۱۳۷۵).

این مفهوم توسط فرانکل در خلال دوره‌ی اسارتش در اردوگاه کار اجباری آزمایش شد و آن تجارب در کتابی تحت عنوان «انسان در جستجوی معنا» به چاپ رسید. فرانکل براساس تجربیات خود دریافت تنها کسانی از این اردوگاه جان سالم به در بردند که معنایی در زندگی خود یافتند (فرانکل، ۱۹۷۷). اما معنای زندگی خود می‌تواند محصول عوامل درونی و بیرونی متعددی باشد (فرانکل، ۱۳۷۵).

یکی از عوامل بسیار مهم و اثرگذار بر رفتار و شخصیت فرد، خانواده است. محیط خانواده اولین و با دوام‌ترین عاملی است که در رشد شخصیت افراد تاثیر می‌گذارد. این نظام به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم از طریق روش‌های مختلف بر تربیت کودکان تاثیر می‌گذارد. والدین برای تربیت فرزندان نشان اعتقادات، گرایشات بیانات غیرکلامی و روش‌های مختلفی دارند که مجموعه‌ی اینها سبک فرزندپروری^۲ والدین را تشکیل می‌دهد. در مورد سبک فرزندپروری یکی از مهم‌ترین نظریات، نظریه‌ی بامریند^۳ (۱۹۶۷) است. بامریند سه سبک فرزندپروری با خصوصیات و آثار متفاوت فرزندان

1. Frankle

2. Parenting styles

3. Diana Baumrind

را ذکر نمود. فرزندپروری منطقی^۱ که والدین درخواست‌های معقولی برای پختگی دارند و این درخواست‌ها را با تعیین محدودیت‌ها و اصرار بر اینکه باید از آنها تبعیت کند، به اجرا می‌گذارند. فرزندپروری مستبدانه^۲ که والدین متوقع هستند و برای پیروی کردن از آن چنان ارزش زیادی قائل هستند که فرزندانشان دوست ندارند پیروی کنند. فرزندپروری آسان‌گیر^۳ که والدین مهرورز و پذیرا بوده ولی متوقع نیستند و از هر گونه اعمال کنترل خودداری می‌کنند.

روانشناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان معتقدند که شیوه‌ی فرزندپروری والدین بر ساختارهای رشد ذهنی و عقلی کودک و بسیاری از جنبه‌های روان‌شناختی از جمله سبک تفکر فرزندان، سازگاری اجتماعی، مشکلات رفتاری نوجوانی و خودارزشی مثبت و احساس موفقیت در کارها، تاثیر فراوانی دارند (کاپلان^۴، ۲۰۰۰، ترجمه‌ی فیروزبخت، ۱۳۸۴). یکی از این جنبه‌های مهم شخصیت فرد، معنادار بودن زندگی اوست.

در تحقیقی که توسط سای^۵ (۱۹۹۷) در مورد بررسی رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری با معنادار بودن زندگی انجام داد، نشان داده شد فرزندان که والدینی با شیوه‌ی فرزندپروری دیکتاتور یا آزادگذار دارند، احساس معنای کمتری در زندگی داشته و همچنین معنادار بودن زندگی با سبک فرزندپروری دمکرات رابطه‌ی معنادار مثبت دارد.

سلیمی (۱۳۸۸) در پایان‌نامه‌ی خود تحت عنوان بررسی رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری والدین با معنای زندگی و سلامت روان بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر گرگان به این نتیجه رسید که فرزندان آن دسته از والدینی که شیوه‌ی فرزندپروری اقتدارطلب داشتند، به طرز فاحشی زندگی معنادارتری نسبت به بقیه‌ی سبک‌های فرزندپروری داشتند. او همچنین نتیجه گرفت که بین سبک فرزندپروری آسان‌گیرانه و سلطه‌گر با معناداری زندگی فرزندان رابطه‌ی معنادار منفی وجود دارد.

یکی دیگر از جنبه‌های مهم شخصیت فرد که تحت تاثیر خانواده و سبک فرزندپروری والدین است، دینداری اوست. به عقیده‌ی اریکسون^۶ (۱۹۷۵) والدین با تاثیرگذاری خود در اولین مرحله‌ی رشد «من»^۷ یعنی مرحله‌ی «ایجاد اعتماد»^۸ در برابر بی‌اعتمادی^۹ تاثیر مستقیم دارند. وی معتقد است که «اعتماد» در کودکی پایه و اساس ایمان^۹ در بزرگسالی است. ایمان به‌عنوان یک نیاز

1. Authoritative
2. authoritarian
3. permissive
4. Kaplan
5. Tsay
6. Erikson
7. ego
8. confidence
9. faith

حیاتی، انسان را به سوی پذیرش دین سوق می‌دهد. پس هرگونه ضعف در سبک رفتاری و تربیتی والدین نسبت به فرزندانشان، موجب ایجاد حس بی‌اعتمادی شده و از نظر اریکسون ایجاد اعتماد یا بی‌اعتمادی در کودکان تاثیر مستقیم بر شیوهی دینداری و سبک جهت‌گیری مذهبی آنان در آینده دارد.

جهت‌گیری مذهبی^۱ دلایل ابزاری و غیر ابزاری است که افراد در اعتقادات، باورها و اعمال مذهبی خود بیان می‌کنند. در روانشناسی تحت عنوان «انگیزه مذهبی» یا «جهت‌گیری مذهبی» مورد تفحص قرار گرفته است (آلپورت، ۱۹۶۷). در باورهای مذهبی ریان و همکاران (۱۹۹۳) دو سبک جهت‌گیری مطرح می‌کند. ۱- سبک جهت‌گیری درون‌فکنی شده^۲: به معنای درونی شدن منبع انگیزشی بیرونی براساس فشارهای درونی، مانند احساس گناه و اضطراب و تهدید خودپنداره. در واقع سبک تنظیمی همان اصطلاح وجدان در درون انسان است که هرگاه خطایی مخالف قوانین بیرونی وضع شده، صورت می‌گیرد. در انسان احساس گناه یا عذاب وجدان یا اضطراب به وجود می‌آید. ۲- سبک جهت‌گیری همانندسازی شده^۳: در این سبک رفتار براساس ارزش‌ها و اهداف فردی درون‌سازی شده صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، در این شیوهی تنظیمی دیگر احساس گناه ناشی از رفتار بیرونی، رفتار را تحریک نمی‌کند. بلکه انسان بر اساس عقاید و باورهای خود، به آن دست یافته و طبق آن عمل می‌کند.

پژوهش فدایی (۱۳۸۵) که رابطه‌ی ادراک فرزندان از سبک فرزندپروری والدین و جهت‌گیری مذهبی را مورد پژوهش قرار داد، نشان داد که بین سبک فرزندپروری سلطه‌گر و جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده رابطه‌ی معنادار مثبت مشاهده شده است. همچنین بین سبک فرزندپروری قدرت‌طلب و جهت‌گیری مذهبی درون‌سازی شده (به فرم همانندسازی) رابطه‌ی معنادار مثبت وجود دارد و بین سبک فرزندپروری آزادگذار با هر یک از سبک‌های جهت‌گیری مذهبی رابطه‌ی معنادار منفی وجود دارد.

دشتی (۱۳۸۷) در تحقیق خود نتیجه گرفت بین فرزندان افرادی که سبک فرزندپروری منطقی دارند، از نظر جهت‌گیری مذهبی تفاوت زیادی با دیگر سبک‌های فرزندپروری وجود دارد. جهت‌گیری مذهبی درون‌سازی شده در فرزندان این گروه از والدین، به طرز معناداری از دو گروه دیگر بیشتر است. شریفی (۱۳۹۰) بین سبک فرزندپروری منطقی و جهت‌گیری مذهبی درون‌سازی شده (همانندسازی شده) رابطه‌ی مثبت و معناداری پیدا کرده است.

-
1. religious motivation
 2. the regulatory light was breaking up
 3. light regulation of replication

تحقیقات مختلف نیز نشان دهنده وجود ارتباط بین سبک جهت‌گیری مذهبی و معنای زندگی افراد می‌باشد. گلوور^۱ (۱۹۹۶) در تحقیقی که در این زمینه انجام داد، متوجه شد افرادی که از نظر مذهبی در سطح پایینی هستند، احساس بی‌هدفی و بیگانگی نسبت به اجتماع در بین آنها متداول‌تر است. کارسون^۲ (۲۰۰۰) اعتقاد دارد که یکی از علل آسیب‌پذیر بودن افراد بی‌هدفی آنان است و مذهب نقش مهمی در هدفمند بودن زندگی انسان به‌ویژه کسب ارزش‌های سازنده دارد. در مطالعه‌ی بین فرهنگی در ۱۹ کشور غربی که بر روی ۲۸۰۸۵ نفر آزمودنی انجام شده بود، دریافتند که هر چه انسان‌ها پایبندی بیشتری به مذهب داشته باشند، درجه‌ی گرایش آنها به خودکشی کمتر است (نیلمن، هالپرن، لیون و لوئیز، ۱۹۹۷،^۳).

کلانتری^۴ (۱۳۸۰) در پژوهش خود به بررسی رابطه‌ی جهت‌گیری مذهبی با سلامت روان دانشجویان پرداخته است. او در این تحقیق به این نتیجه رسید که سلامت روان دو گروه دانشجویان پزشکی درون‌سو و برون‌سو، تفاوت معناداری وجود دارد و دانشجویان درون‌سو با نشاط‌تر از دانشجویان برون‌سو هستند. نتایج پژوهش‌های استوار^۵ (۱۳۸۵) حاکی از این بود که در مجموع ما بین درون‌سازی به فرم همانندسازی و ابعاد مختلف سلامت روان رابطه‌ی منفی معنادار وجود دارد و بین درون‌سازی به فرم درون‌فکنی و ابعاد مختلف سلامت روان رابطه‌ی مثبت و معنادار بوده است. با جمع‌بندی مطالب مطرح شده، به نظر می‌رسد که سبک جهت‌گیری مذهبی بتواند در مدل پردازش نقش واسطه‌ای بین سبک فرزندپروری والدین و معناداری زندگی فرزندان ایفاء کند. بنابراین هدف این پژوهش تبیین نقش واسطه‌گری جهت‌گیری مذهبی در رابطه‌ی بین سبک فرزندپروری والدین و معنای زندگی فرزندان می‌باشد.

روش

روش تحقیق حاضر توصیفی از نوع همبستگی است.

نمونه و روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت تصادفی و از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای می‌باشد. به این صورت که از بین ۴ ناحیه‌ی آموزش و پرورش شهر شیراز، ناحیه‌های ۲ و ۳ به صورت تصادفی به عنوان واحدهای نمونه‌گیری انتخاب و سپس از بین دبیرستان‌های این نواحی، ۴ دبیرستان به صورت تصادفی انتخاب شدند که ۲ دبیرستان دخترانه و ۲ دبیرستان پسرانه بودند. سپس در هر دبیرستان یک کلاس سوم ریاضی، یک کلاس سوم تجربی و یک کلاس سوم انسانی

1. Glover
2. Carson
3. Neelman & Healpern & Leon & Lewis

به صورت تصادفی انتخاب شد و دانش‌آموزان این کلاس‌ها و والدین آنها به عنوان حجم نمونه‌ی تحقیق حاضر انتخاب گردیدند که حجم نمونه را ۳۰۸ نفر تشکیل دادند. این تعداد پس از جمع‌آوری به علت عدم تحویل پرسشنامه توسط بعضی دانش‌آموزان و مخدوش بودن برخی پرسشنامه‌ها، به ۲۷۱ نفر تقلیل یافت که از این تعداد ۱۳۸ دختر و ۱۳۳ پسر بودند.

ابزار گردآوری اطلاعات

در این پژوهش از سه پرسشنامه‌ی استاندارد شده برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

الف - پرسشنامه‌ی سبک فرزندپروری دیانا بامریند: این مقیاس توسط بامریند (۱۹۶۷م) تهیه شده و سه سبک فرزندپروری یعنی سبک فرزندپروری منطقی، سبک فرزندپروری مستبدانه و سبک فرزندپروری آسان‌گیر را می‌سنجد. این پرسشنامه شامل ۳۰ سوال است که برای هر سبک ۱۰ سوال در نظر گرفته شده است. این مقیاس توسط والدین تکمیل خواهد شد. از پاسخ‌دهنده خواسته می‌شود شیوه‌ای که در پرورش فرزندانشان به کار برده‌اند را اعلام نمایند. بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای از صفر تا چهار به نحوه‌ی لیکرت از کاملاً مخالفم (۰) تا کاملاً موافقم (۴) مشخص شده است.

۱۰ عبارت مربوط به مقیاس آسان‌گیری: ۱-۶-۱۰-۱۳-۱۴-۱۷-۱۹-۲۱-۲۴-۲۸

۱۰ عبارت مربوط به مقیاس استبدادی: ۲-۳-۷-۹-۱۲-۱۶-۱۸-۲۵-۲۶-۲۹

۱۰ عبارت مربوط به مقیاس اقتدار منطقی: ۴-۵-۸-۱۱-۱۵-۲۰-۲۲-۲۳-۲۷-۳۰

این پرسشنامه قبلاً توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) مورد استفاده قرار گرفته است. اسفندیاری (۱۳۷۴) پایایی بازآزمایی این پرسشنامه را برای آسان‌گیری ۰/۶۹، برای استبدادی ۰/۷۷ و اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش کرده است. بوری (۱۹۹۱م) نیز پایایی بازآزمایی این پرسشنامه را برای آسان‌گیری ۰/۸۱، برای استبدادی ۰/۸۵ و برای اقتدار منطقی ۰/۹۲ گزارش کرده است. همچنین وی در مورد اعتبار پرسشنامه نتایج زیر را گزارش کرده است: مستبد بودن رابطه‌ی معکوس با آسان‌گیری ۰/۵۰ و با اقتدار منطقی ۰/۵۲ دارد.

ب - پرسشنامه‌ی جهت‌گیری مذهبی (البرزی، ۱۳۸۲): این پرسشنامه مشتمل بر دو زیر مقیاس درون‌فکنی شده و درون‌سازی به فرم همانندسازی شده می‌باشد. این مقیاس توسط البرزی (۱۳۸۲) تهیه شده است. این پرسشنامه دو سبک جهت‌گیری مذهبی یعنی سبک جهت‌گیری مذهبی درون‌سازی شده به فرم همانندسازی شده و سبک جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده را می‌سنجد. تعداد کل گویه‌ها ۱۲ گویه و برای هر سبک ۶ گویه در نظر گرفته شده است. گویه‌های ۱-۴-۶-۸-۹-۱۱ سبک جهت‌گیری همانندسازی شده را نشان داده و گویه‌های ۲-۳-۵-۷-۱۰-۱۲ سبک جهت‌گیری درون‌فکنی شده را می‌سنجد. حداقل نمره برای هر سبک ۶ و حداکثر ۴۸

می‌باشد. به هر گویه بین ۱ تا ۸ امتیاز تعلق می‌گیرد. جمع امتیازات هر سبک مشخص می‌کند که فرد دارای چه سبکی است. البرزی در خصوص بررسی روایی پرسشنامه از پرسشنامه‌ی خودگردانی یادگیری استفاده کرده که روایی آزمون‌ها را نشان می‌دهد. نتایج مطالعات پایایی این پرسشنامه به شیوه‌ی بازآزمایی و آلفای کرونباخ از پایایی پرسشنامه‌ی درونی‌سازی حکایت داشت. ضریب پایایی برای سبک درون‌فکنی شده برابر ۰/۷۶ و برای سبک همانندسازی شده برابر ۰/۷۳ بود. ضریب پایایی کرونباخ برای سبک درون‌فکنی شده ۰/۷۸ و برای سبک همانندسازی برابر ۰/۷۵ بود. در پژوهش حاضر مقدار پایایی به روش آلفای کرونباخ برای سبک درون‌فکنی شده برابر با ۰/۷۷ و برای سبک همانندسازی شده ۰/۶۱ به‌دست آمده است. پرسش‌های مقیاس به‌صورت طیف مدرج (کاملاً درست= ۸ تا اصلاً درست نیست= ۱) می‌باشد.

ج- پرسشنامه‌ی معنادار بودن زندگی (صالحی، ۱۳۷۴): این پرسشنامه با توجه به معیارها و ملاک‌های استخراج شده از نظر ویکتور فرانکل که مبین وجود معنا در زندگی است، تنظیم شده است. این پرسشنامه توسط مهدیه صالحی در سال ۱۳۷۴ برای اخذ درجه‌ی دکترای روانشناسی تهیه و تدوین گردیده است. پرسشنامه شامل ۵۰ سوال در ارتباط با وجود معنا در زندگی است. هر سوال ۷ ارزش به‌خود اختصاص می‌دهد. ارزش ۱ نشانگر عدم توافق کامل با سوال و ارزش ۷ نشانگر توافق کامل با سوال است. این پرسشنامه به‌صورت خودسنجی است و زمان در پاسخگویی مطرح نیست. اگرچه به‌طور معمول ۲۵ دقیقه طول می‌کشد و هر سوال ۷ ارزش را به‌خود اختصاص می‌دهد. ارزش ۱ نشانگر عدم توافق کامل با سوال و ارزش ۷ نشانگر توافق کامل با سوال است. میانگین نمرات آزمودنی به سوالات معیاری برای تشخیص وجود معنا در زندگی است. چنانچه میانگین نمرات فرد کمتر از میانگین کل باشد، نشانگر بی‌معنایی در زندگی است. لازم به ذکر است که سوالات ۱-۵-۹-۱۰-۱۲-۱۹-۲۱-۲۲-۲۷-۲۹-۳۸-۳۹-۴۲-۴۳-۴۴-۴۷ نمره‌ی معکوس می‌گیرند (صالحی، ۱۳۷۴). روایی و پایایی پرسشنامه‌ی معنادار بودن زندگی توسط هفت تن از اساتید دکترای روانشناسی تایید شده است. ضریب پایایی پرسشنامه‌ی معنابخش بودن زندگی با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به‌دست آمده است (صالحی، ۱۳۷۴). همچنین در استان مازندران توسط حسن زاده (۱۳۷۸) از طریق روش بازآزمایی، پایایی پرسشنامه ۰/۸۹ به‌دست آمده است.

یافته‌ها و نتایج:

روش آماری تجزیه و تحلیل داده‌ها:

اطلاعات در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در سطح توصیفی به گزارش میانگین، انحراف معیار و ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه و در سطح استنباطی به آزمون مدل‌های مفروض با استفاده از آزمون آماری تحلیل مسیر، پرداخته شده است. در ابتدا پیش از پرداختن به فرضیه‌های پژوهش، به ارائه‌ی شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه پرداخته شده و سپس به بررسی فرضیه‌ها اقدام شده است. جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرها و جدول ۲ ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه را نمایش می‌دهد.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه.

گروه	شاخص	سبک فرزندپروری آسان‌گیر	سبک فرزندپروری استبدادی	سبک فرزندپروری منطقی	جهت‌گیری مذهبی همانند سازی شده	جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده	معناداری زندگی
پسر	میانگین	۱۷/۳۹	۱۶/۵۶	۱۵/۶۲	۳۱/۴۲	۲۷/۳۹	۲۳۷/۹۰
	انحراف معیار	۹/۳۶	۸/۴۸	۸/۷۹	۱۰/۴۵	۷/۸۷	۵۶/۸۲
دختر	میانگین	۱۷/۱۱	۱۷/۱۱	۱۶/۲۶	۳۱/۹۳	۲۸/۴۱	۲۴۱/۲۲
	انحراف معیار	۸/۵۹	۸/۸۲	۹/۰۴	۱۰/۴۹	۷/۸۸	۵۷/۵۱
کل	میانگین	۱۷/۲۵	۱۶/۸۲	۱۵/۹۳	۳۱/۶۷	۲۷/۸۹	۲۳۹/۵۳
	انحراف معیار	۸/۹۸	۸/۶۴	۸/۹۰	۱۰/۴۵	۷/۸۸	۵۷/۰۸

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه.

معنای زندگی	جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده	جهت‌گیری مذهبی همانند سازی شده	جهت‌گیری مذهبی منطقی	سبک فرزندپروری استبدادی	سبک فرزندپروری آسان‌گیر	سبک فرزندپروری آسان‌گیر
					۱	سبک فرزندپروری آسان‌گیر
				۱	** -۰/۳۰	سبک فرزندپروری استبدادی
			۱	** -۰/۲۹	** -۰/۲۸	سبک فرزندپروری منطقی
		۱	** ۰/۴۸	** -۰/۳۴	** -۰/۱۶	جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده
	۱	** -۰/۴۵	** -۰/۳۹	** ۰/۴۸	** -۰/۱۴	جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده
۱	** -۰/۳۹	** ۰/۴۸	** ۰/۴۶	** -۰/۲۶	** -۰/۲۵	معنای زندگی

فرضیه تحقیق: سبک جهت‌گیری مذهبی در بین سبک فرزندپروری والدین و معنای زندگی نقش واسطه‌گری معنادار دارد.

برای آزمون نقش واسطه‌گری ابعاد متغیر جهت‌گیری مذهبی (الف: همانندسازی شده ب: درون‌فکنی شده) برای متغیرهای برون‌زاد سبک فرزندپروری (الف: آسان‌گیر ب: استبدادی ج: منطقی) و متغیر درون‌زاد (معنای زندگی) از روش تحلیل مسیر به شیوه رگرسیون سلسله مراتبی و با استفاده از روش بارون و کنی استفاده شد.

ابتدا برای بررسی میزان اثر متغیرهای برون‌زاد سبک فرزندپروری (الف: آسان‌گیر ب: استبدادی ج: منطقی) بر متغیرهای واسطه جهت‌گیری مذهبی (الف: همانندسازی شده ب: درون‌فکنی شده) از آزمون رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان استفاده شد که نتیجه‌ی آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: آزمون رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان
بین سبک فرزندپروری و جهت‌گیری مذهبی

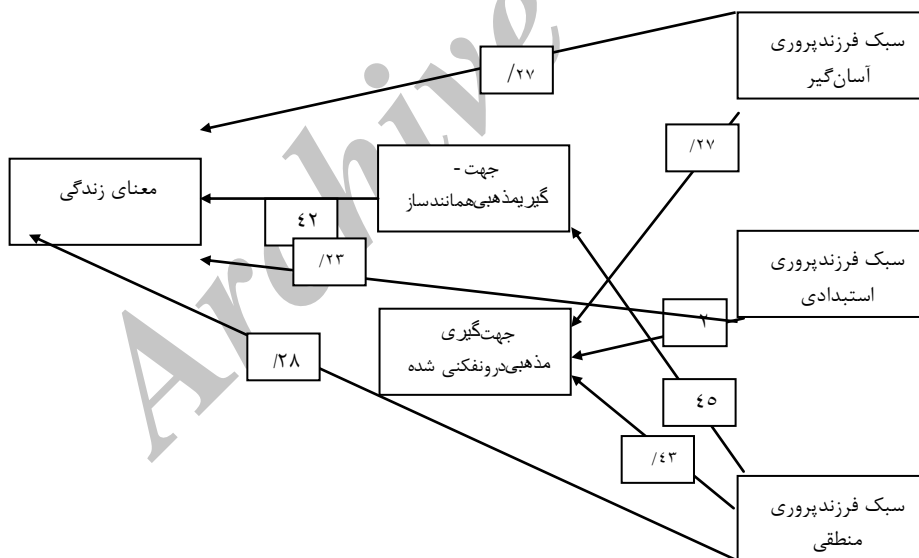
متغیر وابسته	پیش بین	(Beta)	t	P<	R ²	F	df	P<
جهت‌گیری مذهبی هماندسازی شده	سبک فرزندپروری آسان‌گیر	۰/۰۳	۰/۳۳	(NS)۰/۷۴	۰/۳۰	۱۸/۱۵	۶۷ و ۳	۰/۰۰۱
	سبک فرزندپروری استبدادی	-۰/۱۶	۱/۶۶	(NS)۰/۱۰				
	سبک فرزندپروری منطقی	۰/۴۵	۸/۴۶	۰/۰۰۱				
جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده	سبک فرزندپروری آسان‌گیر	-۰/۲۷	۵/۸۱	۰/۰۰۱	۰/۲۳	۴۹/۰۱	۶۷ و ۳	۰/۰۰۱
	سبک فرزندپروری استبدادی	۰/۲۳	۳/۳۹	۰/۰۰۱				
	سبک فرزندپروری منطقی	-۰/۴۳	۹/۷۷	۰/۰۰۱				

به منظور بررسی نقش واسطه‌گری جهت‌گیری مذهبی برای سبک فرزندپروری و معنای زندگی در گروه نمونه از روش رگرسیون سلسله‌مراتبی استفاده شد. در این شیوه در مرتبه‌ی اول متغیرهای برون‌زاد سبک فرزندپروری (الف: آسان‌گیر ب: استبدادی ج: منطقی) برای پیش‌بینی متغیر درون‌زاد مدل (معناداری زندگی) وارد معادله شدند. پس از آن در مرحله‌ی دوم متغیرهای واسطه یعنی جهت‌گیری مذهبی (الف: همانندسازی شده ب: درون‌فکنی شده) وارد معادله گردیدند. نتایج این تحقیق حاکی از آن بود که در مجموع در این مدل ۴۱٪ از واریانس معنای زندگی توسط متغیرهای جهت‌گیری مذهبی و سبک فرزندپروری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. $F(1, 44/5) = 11/4$ و $P < 0/001$ جدول ۴ نشانگر نتایج آزمون رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی مراتبی برای آزمون نقش واسطه‌گری جهت‌گیری مذهبی برای سبک فرزندپروری و معنای زندگی در گروه نمونه می‌باشد.

جدول ۴: آزمون رگرسیون سلسله مراتبی برای آزمون فرضیه

مرحله	متغیرها	بتا (Beta)	t	P<	R ²	F	df	P<
اول	سبک فرزندپروری آسان‌گیر	-۰/۲۵	۲/۵۳	۰/۰۱	۰/۲۷	۵/۵۷	۶۷/۳	۰/۰۰۱
	سبک فرزندپروری استبدادی	-۰/۲۵	۲/۵۰	۰/۰۱				
	سبک فرزندپروری منطقی	۰/۲۹	۴/۵۸	۰/۰۰۱				
دوم	سبک فرزندپروری آسان‌گیر	-۰/۲۷	۲/۶۸	۰/۰۰۸	۰/۴۱	۱/۴۸	۱۴۴/۵	۰/۰۰۱
	سبک فرزندپروری استبدادی	-۰/۲۷	۲/۶	۰/۰۰۳				
	سبک فرزندپروری منطقی	۰/۳۲	۴/۶۴	۰/۰۰۹				
	جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده	۰/۴۲	۴/۵۱	۰/۰۰۲				
	جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده	-۰/۰۸	۰/۷۲	۰/۴۷ (NS)				

در نهایت اینکه با توجه به نتایج جداول شماره ۳ و ۴ و اطلاعات به دست آمده از آنها، می‌توان مدلی را با عنوان نقش واسطه‌گری جهت‌گیری مذهبی برای سبک فرزندپروری و معنای زندگی در گروه نمونه ارائه داد. مدل ۱ مسیرهای مختلف موثر بر متغیر درون‌زاد (معنای زندگی) را نشان می‌دهد.



مدل ۱: مسیرهای مختلف موثر بر متغیر درون‌زاد (معنای زندگی)

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحلیل مسیر مبنی بر تدوین الگویی برای پیش‌بینی معنای زندگی نشان می‌دهد که متغیر جهت‌گیری مذهبی نقش متغیر واسطه را در سبک فرزندپروری والدین و معنای زندگی ایفاء می‌کند. اما از بین سبک‌های جهت‌گیری مذهبی، فقط جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده با معنای زندگی رابطه‌ی معنادار دارد. ولی جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده رابطه‌ی معناداری با متغیر معنای زندگی ندارد.

هرچند پژوهشی در زمینه‌ی تدوین مدل ساختاری بر اساس این متغیرها با معنای زندگی صورت نگرفته است، اما تاثیر هر یک از متغیرها به صورت منفرد به نوعی به صورت مستقیم و غیر مستقیم مورد مطالعه قرار گرفته و کارایی آنها در افزایش معنای زندگی افراد بررسی شده است. از این جهت یافته‌های پژوهش با یافته‌های پژوهش یونگ^۱ (۱۹۳۳، ترجمه‌ی سروری، ۱۳۷۰)، کرنباخ و شفیلد (۱۹۸۰)، جیمز فولر (۱۹۸۱)، باتسون^۲ (۱۹۸۲) اکلین و همکاران (۱۹۸۳)، گلوور (۱۹۹۶)، سای (۱۹۹۷)، کارسون (۲۰۰۰)، فدایی (۱۳۸۵)، حسینی (۱۳۸۵)، دشتی (۱۳۸۷)، سلیمی (۱۳۸۸) و اوتادی (۱۳۸۸) همسو است.

به طور کلی یافته‌ها نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری تاثیرات قابل توجهی بر همه‌ی ابعاد تفکر، نگرش و شخصیت افراد دارد که از جمله‌ی آنها نگرش نسبت به زندگی و معنای زندگی است؛ اما مذهب با پاسخ‌دهی به سوالات اساسی بشر از قبیل اینکه چگونه می‌توان به بهترین وجه با مشکلات زندگی دست و پنجه نرم کرد؟ یک زندگی ارزشمند چه نوع زندگی‌ای است؟ در زندگی به چه چیزی می‌توان امیدوار بود؟ موجب می‌شود که فرد مذهبی معنای بیشتری در زندگی احساس کند. در جهت‌گیری مذهبی همانندسازی شده که افراد به مذهبشان اعتقاد قلبی دارند، نگرش مذهبی عمیق و قلبی آنان موجب می‌شود که معنای بیشتری در زندگی خود احساس کنند. اما جهت‌گیری مذهبی درون‌فکنی شده احتمالاً به این دلیل که بر اساس ارزش‌ها و اهداف فردی درون‌سازی نشده و تنها جنبه‌ی ظاهری دارد، تاثیر عمیقی بر نگرش واقعی فرد به زندگی نداشته و قابلیت تاثیرگذاری چندانی بر معنای زندگی افراد را ندارد.

با توجه به اهمیت سطح معناداری زندگی افراد جامعه، پیشنهاد می‌شود که این تحقیق در جامعه‌ای بزرگ‌تر انجام گیرد تا نتایج آن را بتوان به جامعه‌ی گسترده‌تری تعمیم داد. همچنین پیشنهاد می‌شود که پژوهش در این زمینه با تاکید بیشتر بر معنای زندگی از دیدگاه فرهنگی از طریق پژوهش کیفی انجام بگیرد.

1. Yung
2. Batson

همچنین پیشنهاد می‌شود که دوره‌هایی در جهت آگاهی دادن به مشاوران در مورد عواملی که در معنادار کردن زندگی دخالت دارند، برگزار گردد. زیرا این دوره‌ها می‌تواند آنها را در درمان روان‌شناختی بسیاری از مشکلات توانمندتر از قبل سازد. همچنین پیشنهاد می‌شود که دوره‌هایی برگزار شود که اهمیت مذهب و نگرش مذهبی و تاثیر آموزه‌های مذهبی بر روی معنای زندگی افراد را برای دانش‌آموزان و والدین توضیح دهد و همچنین تبیین جهت‌گیری مذهبی کارآمد، می‌تواند نگرش افراد نسبت به این موضوع مهم در زندگی را تغییر دهد و در صورت مشاهده‌ی علائم جهت‌گیری مذهبی ناکارآمد برای اصلاح آن اقدام کنند. همچنین برگزاری دوره‌های آموزشی برای زوج‌های جوان قبل از فرزندآوری و همینطور برای والدین و آگاه ساختن آنها از سبک‌های مختلف فرزندپروری و همچنین آموزش مهارت‌های مربوط به سبک کارآمد در فرزندپروری می‌تواند نحوه‌ی برخورد آنها با فرزندانشان را تحت تاثیر قرار دهد.

منابع

- احدی، حسن و حسن زاده، رمضان. (۱۳۷۹). رابطه‌ی بین افسردگی و معنابخش بودن زندگی در دانش‌آموزان، مجله‌ی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد.
- استوار، صدیقه. (۱۳۸۵). بررسی تاثیر مذهب و ابعاد درون‌سازی مذهب بر سلامت روان نوجوانان ایرانی. رساله‌ی دوره‌ی دکتری، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شیراز.
- البرزی، محبوبه (۱۳۸۲). بررسی روایی و پایایی پرسشنامه‌ی خودگردانی مذهبی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شیراز.
- الیاده، میرچا. (۱۳۷۴). رساله در تاریخ ادیان. تهران: انتشارات سروش.
- اوتادی، فاطمه. (۱۳۸۴). تاثیر سبک فرزندپروری والدین بر معناداری زندگی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- بهرامی مشعوف، ع. (۱۳۷۳). بررسی رابطه‌ی بین میزان عبادت و سلامت روان در دانشجویان پسر مرکز تربیت معلم همدان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- جمالی، فریبا. (۱۳۸۱). بررسی رابطه‌ی بین نگرش مذهبی، احساس معنابخش بودن زندگی و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه‌های تهران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- حسینی، محمود رضا (۱۳۸۵). مقایسه‌ی سبک فرزندپروری والدین در دانشجویان دارای جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- دشتی، سیدرضا. (۱۳۸۷). بررسی رابطه‌ی شیوه‌های تربیت فرزند و جهت‌گیری مذهبی درونی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.
- دوست محمدی، هادی. (۱۳۷۶). نقش دین در بهداشت روان. دانشگاه تهران، همایش دین و بهداشت روان.
- رحیمی، طیبه. (۱۳۸۸). بررسی رابطه‌ی جهت‌گیری مذهبی و امیدواری با سلامت روان در نوجوانان شهر شیراز. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت.
- سلیمی، زهرا. (۱۳۸۸). بررسی رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری والدین با معنای زندگی و سلامت روان دانش‌آموزان دبیرستانی شهر گرگان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

شاهسونی، رضیه. (۱۳۸۹). رابطه‌ی بین باورهای فراشناختی و معنابخشی بودن زندگی پزشکان و پرستاران بیماران بخش سرطانی بیمارستان دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت.

شریعتمداری، علی. (۱۳۶۹). روانشناسی تربیتی. تهران: انتشارات امیر کبیر.

شریفی، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی ادراک دانش‌آموزان از سبک‌های فرزندپروری والدین با خودتنظیمی تحصیلی و جهت‌گیری مذهبی آنان در مدارس متوسطه ناحیه دو شهر کرمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

شهبازی، آنتیا. (۱۳۷۶). بررسی رابطه‌ی جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی با سلامت روان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد رودهن.

صالحی، مهدیه. (۱۳۷۴). بررسی مسائل نوجوانان و جوانان ایران از دیدگاه روانشناسی انسان‌گرا. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

غباری بناب، باقر. (۱۳۷۶). توکل به خداوند متعال به عنوان راهبرد حل مشکلات زندگی. همایش دین و بهداشت روان. فدایی، مؤگان. (۱۳۸۵). بررسی رابطه‌ی ادراک فرزندان از سبک فرزندپروری و جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان دانشجویان دختر دانشگاه علامه طباطبایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

فرانکل، ویکتور. (۱۳۷۵). انسان در جستجوی معنا (ترجمه‌ی اکبر معارفی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۷۷).

کاپلان، پاول اس. (۱۳۸۴). روانشناسی رشد سفرپرماجرایی کودک (ترجمه مهرداد فیروزبخت). تهران: خدمات فرهنگی رسا. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۰)

کلانتری، محمد. (۱۳۸۰). بررسی رابطه‌ی جهت‌گیری مذهبی درون‌سو و برون‌سو با سلامت روان دانشجویان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

لطف آبادی، حسین. (۱۳۸۳). روانشناسی رشد کاربردی نوجوانی و جوانی. تهران: سازمان ملی جوانان.

محمدی، امید. (۱۳۸۳). رابطه‌ی بررسی هویت دینی و سبک فرزندپروری. مجله روانشناسی شماره ۳۲، صفحه ۴-۲. هیبیتی، خلیل. (۱۳۸۱). بررسی شیوه‌های فرزندپروری والدین و رابطه‌ی آن با شیوه‌های مقابله با استرس دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان‌های شهر زرقان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

یونگ، کارل. گوستاو. (۱۳۷۰). روانشناسی و دین (ترجمه‌ی محمد سروری). انتشارات سخن. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۳۳).

Allport, G. W. (1967). "personal orientation and prejudice religious". *Journal of Personality and Social Psychology*, 5, 432- 443.

Batson, C. D., & Ventis, W. L. (1982). *The religious experience: A social psychological perspective*. New York: Oxford University press.

Baumrind, D. (1967). Child care practices anteceding three patterns of preschool behaviour. *Genetic Psychology Monographs*, 15, 43 – 88.

Carson, V. B. (2000). "Mental Health Nursing". 2nd Ed. WB sunders com, 401, 402.

Darling, N. (1999). Parenting style and Its Correlates, clearing house on Elementary and Early Childhood Education, University of Illinois ERIC DIGEST (217) 333-1386.

Dusek, J., & Danko, M. (1994). Adolescent coping styles and perceptions of parental child rearing. *Journal of Adolescent Research*, vol, 9, 412-426.

Erikson, Erik. (1975). *Life History and the Historical Moment*. New York: W. W. Norton.

- Folkman, S., Lazarus, R.S., Dunkel-Schetter, C., DeLongis, A and Gruen, r.j. (1986). Dynamics of a Stressful Encounter: Cognitive appraisal, coping, and encounter outcomes, *Journal of Personality and Social Psychology*, vol. 50(5), 992- 1003.
- Glover Rebecca.J.(1996). Relationships in moral Reasoning and religion among members of conservative, Moderate, and liberal Religious Groups. *The Journal of social psychology*. Vo 1.137,n, 1 april
- Gorberman, K. H.(2003). Diana Baumrind's (1966) Portotypical Descriptions of Three Parenting Styles. www.developmentalpsychology.org.
- Hergenhahn, B. R., and Olson. (1999). *An introduction to theories of personality*. by prentice- Hall Inc. fifth edition.
- Holmbeck, G. N., Paikoff, R. L., and Brqrks – Gunn, J. (1995). Parenting Adolescents, *Hand book of Parenting (ED)*, (Vol, Erlbaum In M. H. Bornstein. 91-118).
- Larson, P. P., and Sherill, K., Aetal. (1999), Associations between dimensions of religious condiments and mental health. *American Journal of Psychiatry*, 149, 557-559.
- Ryan, R. M., Rigby, S., King, K. (1993). Two types of religious internalization and their relations to religious orientation and mental health. *Journal of personality and social psychology*, 65, 586 – 596.
- Tsay, J. C.(1997). Child, Parent, and Contextual Influences on Perceived Parenting Competence Among Parents of Adolescents. *Journal of Marriage and the Family*, 63, 204-256.

Archive of SID